

## بنیادگرایان اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز با روی کرد اسلام سیاسی ایران و عربستان

دکتر مرتضی شیرودی\*

سیدمحمد عابدی\*\*

### چکیده

بنیادگرایان به عنوان خطر اصلی در منطقه آسیای مرکزی و نگرانی‌های ناشی از آن در منطقه و شکل ورود القاعده و طالبان به قلمرو قفقاز و آسیای مرکزی و دخالت قدرتهای خارجی و امریکا و بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک در کشورهای منطقه و به‌طور کلی آسیای مرکزی از موضوعات مهم در زمینه تاریخ معاصر جهان اسلام است. از سویی نقش عربستان به پدید آمدن جریان‌های افراط‌گرا انجامیده و ناآرامی‌هایی را در منطقه باعث گردیده است که عکس‌العمل و مخالفت‌های شدید علمای دینی و رهبران سیاسی کشورهای منطقه را در برداشته است و همچنین عوامل به وجود آمدن گروه‌های افراطی در آذربایجان نیز نیازمند بحث است. این نوشتار درصدد بررسی بنیادگرایان اسلامی است که با پشتیبانی گروه‌های تندرو و افراطی مانند سلفی‌ها، القاعده و طالبان و همچنین دخالت قدرتهای خارجی مانند امریکا که

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۲۶ تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۹/۳۰

\* عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی (dshirody@yahoo.com).

\*\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد، تاریخ معاصر جهان اسلام، جامعه المصطفی العالمیه (mhdabd@yahoo.com).

موجب ناآرامی و نارضایتی مردم، عالمان دینی و رهبران سیاسی گردیده و این که کدام یک از دو کشور مهم اسلامی یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه بیشتر به اهداف اسلامی و سیاسی نزدیک بوده و در عین حال به دور از خشونت توأم با نارضایتی مردم در منطقه نقش ایفا نموده است.

### واژگان کلیدی

بنیادگرایان اسلامی، آسیای مرکزی، قفقاز، اسلام سیاسی، ایران، عربستان.

### مقدمه

آسیای مرکزی از لحاظ ژئوپولیتیک و موقعیت جغرافیایی، برای منطقه و جهان بسیار اهمیت دارد. از این رو برخی از قدرت‌های خارجی به سبب استفاده از منابع سرشار منطقه و جای پا باز کردن از لحاظ سیاسی و نظامی، از برخی جناح‌ها و گروه‌های تندرو مذهبی، برای ناامنی منطقه حمایت می‌کنند و متأسفانه در کنار قدرت‌های بیگانه، برخی کشورهای عربی از جمله عربستان، درصدد گسترش جنبش‌های اسلام‌گرای افراطی به ویژه سلفیه و وهابیت هستند.

پژوهش حاضر، وجود بنیادگرایان تندرو را بررسی می‌کند که تا چه اندازه فعالیت می‌کنند و قلمروی فعالیت‌های آنان شامل کدام کشورها می‌شود و واکنش مردم منطقه و رهبران آنان چگونه بوده است.

آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی و آغاز دوران استقلال این جمهوری‌های پنج‌گانه اندک‌اندک از سیطره ایدئولوژی کمونیسم، رهایی یافت. هرچند ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسی کماکان در این جمهوری‌ها باقی ماند، کمونیسم به عنوان ایدئولوژی غالب دوران شوروی، شروع به رنگ باختن نمود. در این حال، دین و نقش آن در زندگی شهروندان کشورهای آسیای مرکزی، به مسأله‌ای تبدیل شد که جلب توجه بسیاری از دولت‌های این منطقه را به دنبال داشت. در این جهت، از آن‌جا که بیشتر کشورهای این حوزه اسلامی، سنی بودند، این گمان از دو دهه قبل در مورد خطر افزایش بنیادگرایان در این منطقه وجود داشت؛ زیرا کشورهای این حوزه یعنی ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان در مجاورت افغانستان قرار دارند و در طول سه دهه اخیر، با رشد بنیادگرایان اسلامی مواجه بوده‌اند، به ویژه این‌که وجود طالبان و سپس حضور القاعده در افغانستان و پاکستان تقویت اندیشه بنیادگرایان اسلامی میانه را

باعث شده است. بی‌شک وجود دولت‌های اقتدارگرا در بیشتر کشورهای حوزه آسیای میانه و نبود فرهنگ سیاسی مشارکت‌پذیر، باعث شد تا مخالفان سیاسی، به بنیادگرایان نظیر القاعده بیشتر توجه کنند؛ نهادهای رسمی و غیررسمی عربستان نیز کوشیده‌اند تا با تبلیغ وهابیت در این مناطق، گسترده نفوذ معنوی و دینی خود را با اعطای مشوق‌های مالی و غیره گسترش دهند.

بنیادگرایان اسلامی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز نگرانی برخی قدرت‌های داخلی و خارجی از جمله آمریکا، روسیه و رهبران سیاسی منطقه را موجب گردیده‌اند.

### نگرانی آمریکا از نفوذ القاعده

حضور بنیادگرایان اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای غربی به ویژه آمریکا را به وحشت انداخته است، به طوری که ریچارد هالبروک، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان و پاکستان، هشدار داد که القاعده قصد نفوذ در آسیای میانه و آموزش شبه‌نظامیان این منطقه و تبدیل کردن آن به مرکز ناامنی را دارد و غرب به شدت نگران خطر ناامنی در منطقه آسیای میانه هست. وی هشدار می‌دهد که ناامنی از افغانستان، به راحتی می‌تواند در این منطقه گسترش یابد. وی می‌افزاید: خطر اصلی برای این منطقه طالبان نیست، بلکه القاعده است که تروریست‌های بین‌المللی را آموزش می‌دهد و کشورهای منطقه هم در این نگرانی، با واشنگتن سهیم هستند و در این زمینه نگرانی و همکاری مشترکی وجود دارد.<sup>۱</sup>

### نگرانی رهبران سیاسی در منطقه

این مسأله نه تنها غربی‌ها و آمریکا بلکه رهبران سیاسی منطقه را نیز نگران نموده است. بر اساسی شواهد به دست آمده، رهبران منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بارها نگرانی خود را از تلاش وهابیت برای تحکیم مواضع خود در منطقه اعلام کرده‌اند و رسانه‌های گروهی، هر روز در مورد فعالیت‌های آنان در جمهوری تاجیکستان و ازبکستان مطالب زیادی می‌نویسند. در حقیقت می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که رشد وهابیت، پاسخ به اوضاع آشفته اقتصادی-اجتماعی کشورهای منطقه است.<sup>۲</sup>

۱. همشهری، اسفند ۱۳۸۸، <http://strategicreview.org/category>

۲. <http://www.hawzah.net> بخش مطالعاتی سفارت ایران در مسکو، «وهابیت در آسیای مرکزی و قفقاز»،

ماهنامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۳۷، ص ۷۴-۷۶.

سازمان‌های اطلاعاتی جمهوری‌های شوروی سابق نیز در نشست اخیر خویش، آشکارا از پدیده‌ای به نام «کوچ و انتقال طالبانیسم به قلمرو قفقاز و آسیای مرکزی» اظهار نگرانی کرده‌اند.<sup>۱</sup> حالا سؤال این است که با وجود این اظهار نگرانی‌ها، چرا این قدرت‌ها برای جلوگیری از بنیادگرایان به خصوص القاعده، وهابیت و طالبان اقدام نمی‌کنند؟ تاکنون شواهدی دیده نمی‌شود که نشان از برخورد جدی، با نفوذ فزاینده وهابیت و طالبانیسم به منطقه باشد. با وجود این، بر اساس شواهد موجود، برخی از کشورهایی که با امریکا روابط دوستانه دارند، از این گروه‌ها حمایت می‌کنند. به باور ناظران سیاسی، جریان وهابیت برای نفوذ در جمهوری‌های شوروی سابق، مسیرهای گوناگونی را انتخاب کرده است. این تفاوت به طور خاص درباره شکل ورود این جریان به دو حوزه قفقاز و آسیای مرکزی به چشم می‌خورد. در زمینه آسیای مرکزی گرایش‌های تند وهابی‌گری اغلب از مرزهای افغانستان و پاکستان به بخش‌هایی از ازبکستان، تاجیکستان و حتی قرقیزستان راه یافت. تا جایی که در مجموعه القاعده و طالبان، هسته مستقلی به نام اتباع ازبک و آسیای مرکزی شکل گرفت و نام افراد تکفیری مثل طاهر یولداش، هم‌سنگر بن لادن بر زبان‌ها افتاد.<sup>۲</sup>

با توجه به این مسأله، نگرانی از افراط‌گرایی مذهبی در میان کشورهای آسیای مرکزی، امری است که نمی‌توان آن را انکار کرد. از آغاز استقلال این کشورها، اسلام در آنها حیات تازه‌ای یافت و در همین حال، دخالت دین در امور کشور و نیز حمایت کشورهای خارجی از انواع فرقه‌ها و ادیان در این منطقه، به نگرانی دائم این کشورها تبدیل شد. ظهور طالبان در افغانستان و تروریسم برخاسته از بنیادگرایی مذهبی در این کشور، به این نگرانی دامن زد و در این میان دولت تاجیکستان به واسطه دارا بودن مرز مشترک با افغانستان مشکلات بیشتری را متحمل گردید.<sup>۳</sup>

ذکر این نکته ضروری است که با فروپاشی شوروی و از بین رفتن رقیب دیرینه امریکا و هم‌چنین حادثه یازدهم سپتامبر که نزدیکی کشورهای منطقه به امریکا را موجب شده، بسیاری از دولت‌مردان منطقه با کمک امریکا، در صدد مبارزه با اسلام بنیادگرایانه برآمدند. برخی از دولت‌مردان، با اسلام بنیادگرا دشمنی داشته تا حدی که برای نمونه «اسلام کریم اف» رئیس‌جمهور ازبکستان درباره مقابله با آنها، اظهار نموده که چنین کسانی باید با

1. <http://www.aftabir.com/articles/view/politics/world/c1c1264236860>

2. <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2021320> : روزنامه ایران، شماره ۴۴۰۸، به تاریخ ۲۱/۱۰/۸۸، ص ۶.

3. <http://www.jahannews.com/vdcb9wb8srhbg8p.uur.html> فاطمه عطری

گلوله کشته شوند و اگر لازم شود، خود این کار را انجام خواهد داد.<sup>۱</sup> در حالی که نمونه‌های بارز اسلام بنیادگرا در منطقه، سه گروه حزب‌التحریر، جنبش اسلامی ازبکستان و نهضت اسلامی تاجیکستان هستند که به سازمان‌دهی فعالیت‌های براندازانه در بیشتر کشورهای منطقه، به ویژه ازبکستان متهم هستند.<sup>۲</sup>

با در نظر داشتن این مباحث، روشن می‌شود که عامل به وجود آمدن و نفوذ گسترده بنیادگرایان اسلامی و به‌ویژه حضور گروه‌های افراطی القاعده، طالبان و وهابیت در منطقه، با حمایت برخی کشورهای خارجی و دوستان امریکا بوده است. برای مثال پاکستان،<sup>۳</sup> در حقیقت بزرگ‌ترین خطری است که در حال حاضر امنیت دولت‌های حاکم بر آسیای میانه، به ویژه ازبکستان و تاجیکستان را تهدید می‌کند. خطر القاعده و تروریسم برخاسته از پاکستان است. همچنین به عربستان می‌توان اشاره کرد<sup>۴</sup> که برای سرنگون ساختن رژیم‌های حاکم بر آسیای میانه و ایجاد امارت‌های وابسته به عربستان، مهم‌ترین هدف این مبارزان است.

سؤال دیگر که به صورت جدی‌تر مطرح می‌گردد، این است که نقش جمهوری اسلامی ایران به عنوان نزدیک‌ترین کشور همسایه در منطقه و نیز پرقدرت‌ترین کشور اسلامی در جهان اسلام چیست؟

## نقش جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز

### ۱. بعد سیاسی

به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، کشورهای خارجی نظیر ایران برای پیش‌برد منافع خود و برای جلوگیری از عواقب احتمالی و برای هم‌کاری به آسیای مرکزی سرازیر شدند. علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه در نوامبر ۱۹۹۱ از آذر بایجان و پنج جمهوری آسیای مرکزی دیدن کرد و در زمینه ایجاد کنسول‌گری در همه آنها به توافق رسیدند. رؤسای جمهور تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان همگی طی سال‌های ۱۹۹۲ از ایران دیدار کردند و در سال ۱۹۹۳ رئیس‌جمهور ایران آقای رفسنجانی از همه کشورهای آسیای مرکزی دیدار کرد.<sup>۵</sup>

۱. فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲، تابستان و پائیز ۱۳۸۸، سیدمهدی طاهری.  
۲. همان.

۳. [www.khabardaan.com/Keywords/280140.htm](http://www.khabardaan.com/Keywords/280140.htm).

۴. همان.

۵. روی آلیسون و دیگران، امنیت در آسیای مرکزی، ترجمه محمدرضا دبیری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه تهران، ص ۲۴۰-۲۴۳.

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، تمام گروه‌های فعال در صحنه سیاسی تاجیکستان در مورد ایران متفقند که ایران باید پشتیبان اصلی تاجیکستان در منطقه باشد؛ زیرا تاجیکستان قطعه جدا افتاده و محاصره شده‌ای از محدوده فرهنگی ایران است. حزب نهضت اسلامی، به ایران به‌عنوان پایگاه ایدئولوژیک می‌نگرد. قاضی توریجان‌زاده به‌رغم اظهار علاقه به برقراری رابطه با عربستان و پاکستان، تصریح می‌نماید که رسالت ایران در منطقه فراتر از نقش این کشورهاست و به گسترش ارتباطات و تشکیلات خود و نیز دولت تاجیکستان با ایران تأکید دارد.<sup>۱</sup> یکی از نمونه‌های بارز آن این است که تهران، از حزب احیای اسلامی تاجیکستان به‌طور زبانی و گاهی با کمک‌های مادی حمایت می‌کند ولی تعهد ایدئولوژیک برای تداوم حمایت ایران پس از وقوع جنگ‌های داخلی در سال ۱۹۹۲ که در آن روسیه و ازبکستان قاطعانه از کمونیست‌های سابق در برابر ائتلاف دموکراتیک اسلامی حمایت می‌کرد، ناکافی بود.<sup>۲</sup>

## ۲. بعد اقتصادی

در بعد اقتصادی باید گفت که فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران، تنها به کشور ترکمنستان محدود گردیده است. البته به ندرت در کشورهای دیگر آسیای مرکزی هم وجود داشته ولی به آن صورت چشم‌گیر نبوده است در اواخر ۱۹۹۱ تا آوریل ۱۹۹۳ عباس ملکی معاون وزیر امور خارجه اظهار داشت که دولت و نیز مؤسسات اسلامی نیمه‌دولتی ایران نظیر بنیاد مستضعفان و بنیاد شهید، سعی در رهبری، تشویق و شکل‌دهی احیای مذهبی آسیای مرکزی می‌کردند.<sup>۳</sup>

ولی در ترکمنستان، ایران با تأسیس «تصفیه‌خانه بزرگ» برای شهر عشق‌آباد، محبت خود را در دل مردم ترکمن جای دادو اگر این‌گونه طرح‌های اساسی که در توان وزارت‌خانه و دستگاه‌های اجرایی دولت ایران است، در ترکمنستان و دیگر کشورهای آسیای میانه اجرا شود، بی‌شک آثار مطلوبی را در پی خواهد داشت.<sup>۴</sup> یکی از نمونه‌های دیگر، اتوبوس‌های زیبای ایران خودروست که زیبایی خاصی به خیابان‌های شهر بخشیده

۱. علی‌رضا شیخ عطار، «ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز»، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۱۷۱.

۲. امنیت در آسیای مرکزی، ص ۲۴، ۱۳۸۲.

۳. همان، ۲۴۰-۲۴۳.

۴. محمدحسن زمانی، شگفتی‌های پس از فروپاشی، ص ۱۰۹، قم: بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۴.

است. در این میان نمایشگاه بزرگ ایران خودرو، نقش خوبی را ایفا می‌کند در حالی که تا چند سال اخیر، از اتوبوس‌های کهنه و اسقاطی همانند اتوبوس‌های چهل سال پیش ایران در عشق آباد استفاده می‌شد.<sup>۱</sup> هم‌چنین ایران جاده‌های مرزی عشق آباد و جاده گتوک‌تپه به عشق آباد را آسفالت کرده که موجب سربلندی ایرانیان است.<sup>۲</sup>

### ۳. بعد فرهنگی و ایدئولوژیک

بعد ایدئولوژیک و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، گسترده‌تر از بعد اقتصادی است. چون در سه کشور ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان فعالیت دارد. مثلاً روز ولادت حضرت امام حسین علیه السلام با همت یکی از مبلغان پر تلاش اعزامی از طرف سازمان فرهنگ جناب آقای «غلام حسین دلاور» با پشتیبانی سر کنسول، مراسم باشکوهی در صحن مسجد برگزار شد.<sup>۳</sup> همین‌طور روستایی به نام رفسنجان و مسجدی به نام امام خمینی توسط دو رئیس‌جمهور ایران و ترکمنستان کلنگ زده شده و با همت آقای قنبری سرکنسول ایران در مرو ترکمنستان تکمیل گردیده است. این روستا در دویست کیلومتری مرو قرار دارد. در سال ۱۳۷۲ آقای نیازاف، آقای رفسنجانی را هنگام سفر به ترکمنستان به این روستا دعوت کرد که همه ساکنانش فارسی‌زبان و از اقوام سیستان ترک ترکمن و کرد هستند، و به افتخار ایشان، نام دهکده را به نام رفسنجانی تغییر داد. دو رئیس‌جمهور با مشارکت هم، کلنگ مسجد را در این روستا به زمین زدند. آقای نیازاف اسم رفسنجانی را برای مسجد انتخاب کرد اما آقای رفسنجانی نام امام خمینی را تثبیت کرد که اکنون به همین نام معروف است. دولت ترکمنستان برای ساختن مسجد کمک اندکی کرد اما سفارت و کونسل‌گری تقریباً ۹۰٪ از مسجد را تمام کردند.<sup>۴</sup> همان‌طوری که قبلاً اشاره گردید، نقش جمهوری اسلامی در بعد فرهنگی در قرقیزستان نیز چشم‌گیر است. یکی از نمونه‌های آن حوزه علمیه علی‌بن‌ابی‌طالب علیه السلام است که وزارت خارجه و سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر تالاس، خریداری کردند و به نام حوزه علمیه علی‌بن‌ابی‌طالب نام‌گذاری شد و در اختیار طلاب قرار گرفت.<sup>۵</sup> هم‌چنین

۱. همان.

۲. همان.

۳. شگفتی‌های پس از فروپاشی، ص ۱۳۷.

۴. همان، ص ۱۱۴.

۵. وزارت خارجه، ص ۳۹.

یک باب مدرسه دینی به نام «جامعه رسول اکرم» ویژه پسران و با هم‌کاری سازمان مدارس و موافقت دولت قرقیزستان تأسیس شد که هفتاد نفر طلبه از استان‌های مختلف کشور قرقیزستان به صورت شبانه‌روزی در آن تحصیل می‌کنند. این مدرسه را چند سال پیش نماینده سابق سازمان مدارس، آقای سلیمانی تأسیس کرد که روابط بسیار خوبی با مسئولان مربوط دولت قرقیزستان، علما و مفتیان اهل سنت داشت.<sup>۱</sup>

جمهوری اسلامی ایران در کشور قزاقستان نیز نقش فرهنگی و ایدئولوژیک ایفا نموده است. یکی از نمونه‌های آن، طلاب فارغ‌التحصیل مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعة المصطفی العالمیة) در قزاقستان است. در بین آلماتی و قرقیزستان، شهر و روستاهایی وجود دارد که که شیعه‌نشین هستند. مثلاً «چوی» شهر دینی در قزاقستان که یکی از پایگاه‌های دیرینه تشیع به حساب می‌آید و شیعیان این مناطق در سال‌های اول انقلاب کمونیستی از آذربایجان به آن‌جا مهاجرت کرده و از بازماندگان همان‌ها هستند. هم‌چنین شهر «مرکه» پایگاه دیگر شیعیان به‌شمار می‌آید و روستای «نوپود» که شیعه‌نشین است و طلابی که در مرکز جهانی علوم اسلامی در این مناطق، به تأسیس مسجد و کلاس‌های درس قرآن و زبان فارسی پرداخته‌اند.<sup>۲</sup>

باز می‌توان به مراسم و جشن‌های مولودی اشاره نمود. مثلاً در روز ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با مشارکت چند مرکز علمی از جمله اتحادیه زنان مسلمان قزاقستان در سالن کنفرانس کتابخانه ملی جشن برگزار گردید. این سومین سالی است که این جشن برگزار می‌گردد. در این جشن همسر رئیس‌جمهور «سلرل نظر بایف» حضور داشت. وی هنگام تلاوت قرآن روسری به سر کرده بود. نمایشگاه کوچکی نیز از فعالیت زنان در جمهوری اسلامی ایران و برگزاری مسابقه در زمینه زندگی حضرت زهرا علیها السلام برگزار شد. در این چند سال جشن میلاد رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر با مشارکت طرف‌های محلی به صورت مفصل برگزار می‌شود.<sup>۳</sup>

ولی جمهوری اسلامی ایران در ازبکستان، نه در بعد سیاسی و اقتصادی و نه در بعد ایدئولوژیک و فرهنگی، نقشی ندارد یا حضوری کم‌رنگ دارد و هنوز حضور فرهنگی جدی و فعالی در ازبکستان نداشته، ولی دولت‌های دیگر چون ترکیه، عربستان، و مصر و...

۱. شگفتی‌های پس از فروپاشی، ص ۱۸۷-۱۸۸.

۲. همان.

۳. مهدی سنائی، ره‌آورد ماوراءالنهر، ص ۱۱۶-۱۱۷، تهران: انتشارات بین‌المللی ال‌هدی.



حضور بیشتری داشته‌اند برای نمونه، از شهر تاشکند صد طلبه برای تحصیل به مصر، چهارصد طلبه به مدینه و عده‌ای به ترکیه رفته‌اند.<sup>۱</sup> علی رغم این، گفته می‌شود که علمای دینی، ائمه جماعات و مردم متدین این کشور، علاقه و ارادت بیشتری به ایران دارند.<sup>۲</sup>

نقش جمهوری اسلامی در آذربایجان بنا بر تحلیل روشن‌فکران لائیک در آذربایجان، این است که با توجه به موقعیت ضد غربی آشکار ایران، با تظاهر به این که آذربایجان در حال سوق یافتن به دامن ایران و تأثیر پذیری از اسلام سیاسی ایران است، حساسیت غرب را به نحوی برانگیخته که آذر بایجان را فدای ارامنه ننمایند.<sup>۳</sup>

به‌طور کلی، فعالیت‌های تبلیغی، مذهبی و فرهنگی جمهوری اسلامی از قبیل توزیع کتب دینی، پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی ایران در آسیای مرکزی، آموزش طلبه‌ها در حوزه‌های علوم دینی ایران و گشایش مساجد و مدارس دینی در آسیای مرکزی چشم‌گیر است.<sup>۴</sup> هم‌چنان که یکی از صاحب‌نظران عقیده دارد که فعالیت‌های مذهبی و ایدئولوژیک ایران در آسیای مرکزی برجسته و بارز است. البته برآورد سطح و چگونگی این فعالیت‌ها که بخشی از آنها اعلام نشده، امکان‌پذیر نیست، ولی بر اساس شواهد موجود، برنامه فرهنگی ایران به همان اندازه که اسلامی است، ایرانی نیز هست و لحن انقلابی ندارد و هرگز بر اولویت‌های اقتصادی و امنیتی ترجیح داده نشده است.<sup>۵</sup> با توجه با این نکته، می‌توان گفت که زمینه‌های مناسب برای نقش و فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی - ایدئولوژیک برای جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و می‌تواند این فعالیت‌ها را به ویژه در بعد ایدئولوژیک و فرهنگی گسترش یابد. البته ازبکستان تنها کشوری است که زمینه این‌گونه فعالیت‌ها در آن وجود ندارد؛ زیرا سنت‌گرایان محافظه‌کار و افراد با تفکر غیردینی و سکولار با این مسأله مبارزه می‌کنند.

### نقش عربستان در آسیای مرکزی و قفقاز

نقش عربستان در کشورهای آسیای مرکزی را می‌توان در چند بعد بررسی کرد:

۱. شگفتی‌های پس از فروپاشی، ص ۱۳۷.

۲. همان.

۳. ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۱۷۱.

۴. امنیت در آسیای مرکزی، ص ۲۴۰-۲۴۳.

۵. همان.

## ۱. بعد سیاسی

آغاز نفوذ بنیادگرایان سلفی و طالبانیسم در دهه ۱۹۸۰ صورت گرفت و به تدریج، با سرمایه‌گذاری‌های عربستان و حمایت امریکا رشد کرد.<sup>۱</sup> سلفیه و پیروان این فرقه، توسط عناصری از کشورهای عربی به ویژه عربستان سعودی حمایت می‌شوند و هدف نهایی آنان تسلط اعراب سعودی بر تمام جهان اسلام است. این فرقه با بدعت دانستن اعتقادات مسلمانان منطقه، تهدیدی جدی برای نظام و ثبات مذهبی در منطقه به‌شمار می‌آیند، سازمان‌های حامی سلفیه، مبالغه‌نگفتی را برای گسترش و تبلیغ این جریان اختصاص داده‌اند و آسیای مرکزی، سوژه بسیار مناسبی برای این جریان افراط‌گراست. مقامات مذهبی کشورهای منطقه، معتقدند اگرچه رهبران و پیروان سلفیه به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز افکار و اندیشه‌های خود را تبلیغ می‌کنند، در عمل این جریان از حامیان عمده جنگ مسلحانه در راه رسیدن به اهداف سیاسی شناخته می‌شوند و هم اکنون در هشتاد کشور جهان چنین فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند.<sup>۲</sup>

سعودی‌ها برای نفوذ سیاسی و فرهنگی‌شان، سرمایه‌گذاری‌های فراوان نموده‌اند. طبق اخبار رسانه‌های محلی قفقاز، تحرک هسته‌های وهابیت و طالبانیسم در جمهوری‌های شوروی سابق بسیار منتشر شده است. در این گزارش‌ها تصریح شده که سعودی‌ها برای ترویج تحرک مخفیانه شبه‌نظامیان هوادار طالبان در این منطقه سرمایه‌گذاری گسترده‌ای کرده‌اند.<sup>۳</sup>

الف) فعالیت‌های تبلیغی در مساجد و مراکز دینی؛

ب) فعالیت در حوزه توزیع و فروش کتاب و انواع منشورات در قالب تأسیس کتاب‌فروشی و حتی عرضه لوازم التحریر.<sup>۴</sup>

## ۲. بعد فرهنگی و اقتصادی

همان‌طوری که اشاره گردید، سعودی‌ها در بعد فرهنگی و ایدئولوژیک، به طور گسترده سرمایه‌گذاری و فعالیت می‌کنند. بسیاری از پژوهش‌گران در مورد علل پیدایش وهابیت در

۱. فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای.

۲. <http://www.iras.ir/fa/pages/print.php?cid=9618> - فاطمه عطری، «سلفیه، تهدیدی برای امنیت قرقیزستان»، سایت ایراس، ۱۱ آذر ۱۳۸۸.

۳. <http://www.Aftab>.

۴. همان.

کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، به نقش عربستان در حمایت و تأمین بودجه جنبش وهابیت اشاره می‌کنند که به قرار ذیل است:

الف) هزینه تعمیر واحداث مساجد؛

ب) آموزش ابتدایی اسلام؛

ج) اعزام دانش‌جویان به دانشکده‌های مذهبی خارجی؛

د) انتشار کتب اسلامی؛

هـ) آموزش زبان عربی؛

و) اعزام مسلمانان برای انجام دادن مراسم حج با هزینه عربستان.

به همین دلیل برخی نویسندگان مدعی هستند که جنبش وهابیت تنها با کمک‌های عربستان شکل گرفته است.<sup>۱</sup>

بنابر تحلیل‌های صورت گرفته، بهره‌گیری ریاض از فضای بکر فرهنگی منطقه آسیای مرکزی چشم‌گیر است. در میان این اقلیم‌ها و مناطق سوق‌الجیشی، حوزه قفقاز و آسیای مرکزی در نگاه کارگزاران وهابیت اهمیت شایانی یافته، چنان‌که از گزارش ناظران منطقه برمی‌آید، ریاض در آن گروه از بازی‌گرانی قرار گرفت که کوشید از فضای بکر فرهنگی این منطقه سهم ببرد. البته سعودی‌ها در این گروه‌بندی تنها نبودند؛ دو نهاد واتیکان و سازمان جهانی یهود نیز با تأسیس دفاتر و یا در پوشش انجمن‌های خیریه، تلاش زیادی را برای ترویج ایدئولوژی خویش به عمل آورد.<sup>۲</sup>

### ۳. بعد ایدئولوژیک

پیروان مذهب حنبلی در آسیای مرکزی زمینه فعالیت برای عربستان را فراهم کرده‌اند و این فرصتی مناسب برای سلفی‌ها و سعودی‌هاست. فعال‌ترین مبلغان مذهبی در آسیای مرکزی، نمایندگان مذهبی سخت‌گیر حنبلی هستند که به ویژه در عربستان سعودی گسترش یافته‌اند.<sup>۳</sup>

در اواخر دهه ۱۹۸۰ در بحبوحه فروپاشی اتحاد شوروی در پی هفتاد سال محرومیت مذهبی ناشی از سلطه کمونیسم، وهابیت به عنوان یک جنبش تکوین یافت که هدف اصلی آن آموزش سنت‌های اسلامی به اهالی بومی بود. از لحاظ تاریخی، وهابیت مایل

1. <http://www.Hawzah.Net>.

2. <http://www.aftab.ir>.

۳. همان.

بوده است تا ماهیتاً غیرسیاسی باشد. وهابی‌ها یک فرقه سخت‌گیر مذهبی (خشکه مقدس) در حوزه مذهب سنی اسلام (اهل سنت) هستند.<sup>۱</sup>

### عکس‌العمل مردم در برابر بنیادگرایان تندرو اسلامی در منطقه

حضور بنیادگرایان تندروی اسلامی به ویژه وهابیت و سلفی‌ها در منطقه، این پرسش جدی را مطرح می‌سازد که عکس‌العمل مردم منطقه در برابر این گروه‌های افراطی چیست؟

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، مردم به ویژه عالمان دینی و رهبران سیاسی عکس‌العمل شدیدی در برابر بنیادگرایان تندرو نشان داده‌اند. از آنجایی که تفکر سلفی‌گری، ضدیت با تصوف و شیعه و همین‌طور اندیشه وهابی‌گری در «نمندگان» و «اندیجان» واقع در ازبکستان بسیار رواج دارد و درگیری‌های میان جناح تصوف و عرفان و همچنین علیه حکومت در این مناطق رخ داده است؛ بیشتر علمای این کشور به دلیل گرایش و انتساب به عرفان و طریقت‌های تصوف، به شدت از وهابیت متنفر و با طلاب فارغ‌التحصیل عربستان مخالفند و متقابلاً از سنی‌های ایران و همچنین جمهوری اسلامی خوش‌حال و راضی هستند.<sup>۲</sup>

دولت ازبکستان نیز به صورت جدی با این گروه‌های افراطی برخورد کرده است. پس از حادثه بمب‌گذاری فوریه سال ۱۹۹۹ در تاشکند، دولت ازبکستان به رهبری اسلام کریم‌اف بی‌وقفه به آزار واذیت اسلام‌گرایان آسیای مرکزی به خصوص قلع و قمع فعالان فرقه‌های وهابی در دره فرغانه پرداخت. از دیدگاه دولت، در حقیقت وهابیت کم و بیش مترادف با تروریسم است. اما ارائه چنین تصویری از وهابیت، اوضاع را در ازبکستان غیرواقعی جلوه می‌دهد؛ در حالی که اسلام کریم‌اف متقاعد شده است که وهابی‌های ازبکستان، مصمم به سرنگونی دولت وی و تأسیس دولت اسلامی هستند. مدرک محکمی وجود ندارد که بتواند ادعای او را ثابت نماید.<sup>۳</sup>

این مسأله در تاجیکستان به صورت پر رنگ‌تری تر وجود داشته است. دولت تاجیکستان، برخورد شدیدی را با گروه‌های افراط‌گرای اسلامی آغاز کرده که محاکمه و

۱. تاماراما کار نکو، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۳۲.

۲. شگفتی‌های پس از فروپاشی، ص ۱۳۴.

۳. تاماراما کار نکو، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۳۲.

محکومیت تعداد زیاد شهروندان این کشور به اتهام عضویت در گروه‌ها و سازمان‌های افراطی نیز در همین جهت صورت گرفته است. شروع این مبارزه البته پس از حوادث یازده سپتامبر و در سال ۲۰۰۱ بود؛ به گونه‌ای که از آن زمان تاکنون، فعالیت دوازده سازمان، تشکیلات و جریان تندرو توسط دادگاه عالی تاجیکستان در قلمرو این کشور ممنوع اعلام شده است. دولت تاجیکستان هدف از تشدید تقابل با این گروه‌ها را مبارزه با روندهای بی‌ثبات‌ساز کشور عنوان کرده، اما تهدید فعالیت برخی سازمان‌های مذهبی قانونی، اسباب انتقاد در گروه‌های مختلف از این اقدامات دولت بوده است.<sup>۱</sup>

پس از حوادث یازده سپتامبر، مبارزه دولت تاجیکستان با افراط‌گرایی مذهبی و خطری که از ناحیه آن متوجه این کشور بود، وارد مرحله جدید شد. برای مثال، بر اساس مصوبه دادگاه عالی تاجیکستان، از سال ۲۰۰۱ تاکنون سازمان‌های حرکت اسلامی ترکستان شرقی، حرکت اسلامی از بکستان، گروه طالبان، اخوان‌المسلمین، لشکر طیبه، جماعت‌التبلیغ، حرکت اسلامی پاکستان، سازمان مبلغ دینی تبلیغات، سازمان تاجیکستان آزاد و فرقه سلفیه، از جمله سازمان‌های افراطی و تروریستی هستند که فعالیت آنها در قلمرو تاجیکستان ممنوع اعلام شده است.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از شیوه‌های کنترلی دولت تاجیکستان بر اسلام‌گرایان، تدریس اسلام در مدارس سکولار این کشور است. ظاهراً این نکته در میان مقامات تاجیکستان مورد اتفاق نظر قرار دارد که اسلام، بخشی از فرهنگ و تاریخ آنهاست و نسل جوان، اطلاعات و دانشی را درباره اسلام جست‌جو خواهد کرد که نمی‌توان به سادگی از آن چشم پوشید. اما در نگاهی متفاوت می‌توان دریافت که جلوگیری از نفوذ اسلام رادیکال از جمله دلایل تلاش‌های حکومت برای کنترل شدید مسائل مذهبی و ارائه آموزش‌های مذهبی به نسل جوان کشور است. البته در خود تاجیکستان درباره مواد درسی و افراد دارای صلاحیت تدریس، اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. هم‌چنین دولت قصد دارد تمام مسائل مربوط به تحصیلات دینی دانش‌جویان در مدارس و مراکز دانشگاهی خارج از کشور را کنترل و مدیریت کند. جلوگیری از ترغیب جوانان به مذاهب افراطی و پیش‌گیری از تبلیغ این مذاهب در قلمرو تاجیکستان، یکی از اهداف دولت این کشور است؛ زیرا حدود ۹۰٪ فارغ‌التحصیلان این مدارس و دانشگاه‌ها، پس از بازگشت به کشورشان، عقاید

1. <http://www.Iras.Ir>

۲. همان.

افراط‌گرایانه مذهبی دارند. دانشگاه دولتی - اسلامی تاجیکستان که تنها مؤسسه آموزش عالی علوم دینی در این کشور است، ظرفیت پذیرش تعداد محدود از دانش‌جویان را دارد و به همین دلیل بیشتر جوانان تشنه علوم دینی، به اجبار از طریق مجاری غیررسمی برای تحصیل در مدارس دینی سایر کشورها به خارج سفر می‌کنند.<sup>۱</sup>

از دیگر اقدامات دولت این کشور، بازداشت و محاکمه بسیاری از شهروندان به اتهام عضویت در سازمان‌ها و جریان‌های افراطی است. برای نمونه در آوریل ۲۰۰۹ به دستور مقامات، حداقل ۹۳ عضو جنبش جماعت تبلیغ در سه شهر از جمله دوشنبه بازداشت شدند. در مجموع نیز در سال ۲۰۰۹ میلادی، ۳۷ عضو سازمان‌ها و جریان‌های افراط‌گرا که فعالیت آنها در قلمرو تاجیکستان ممنوع شده است، توسط دادگاه‌های شهرها و نواحی مختلف کشور به حبس بلندمدت محکوم گردیده‌اند که بیشتر افراد زندانی شده، از اعضای سازمان‌های افراطی و تروریستی حزب‌التحریر، حرکت اسلامی ازبکستان، القاعده و دیگر سازمان‌های ممنوع بوده‌اند.<sup>۲</sup>

با توجه به مباحث ذکر شده نقش عربستان در آسیای مرکزی و قفقاز را می‌توان این‌گونه ارزیابی کرد که گرچه سعودی‌ها در زمینه‌های مختلف به ویژه در بعد اقتصادی به صورت گسترده‌تر برای نفوذ و هابیت تلاش‌های زیادی انجام داده، در برابر این تلاش‌ها نتوانسته‌اند به اهدافشان دست یابند. تنها دلیل این امر، افکار انحرافی‌ای است که با آموزه‌های اسلامی در تضاد است، البته ضدیت با تصوف هم مانع رشد آنان در منطقه گردیده است؛ چون عده زیادی از مسلمانان، به تصوف گرایش دارند؛ از جمله، برخی عالمان دینی در منطقه نیز رهبران سیاسی، تمام ناآرامی‌ها را ناشی از گروه‌های تروریستی‌ای می‌دانند که بیشتر، بنیادگرایان تندرو در این قضیه متهم هستند.

### وهابیت، تهدیدی برای ثبات دینی - مذهبی آذربایجان

حرکت‌ها و جریان‌های افراطی، علاوه بر اتکا و تمسک به تعصبات شدید و کور، به اغراض و مقاصد سیاسی آلوده است و گردانندگان پشت صحنه توطئه‌های از این دست، قدرت‌مندان و سلطه‌گران زیاد خواهی هستند که انشعابات و دسته‌بندی‌های مذهبی را دست‌مایه اختلاف‌افکنی قرار داده و با سرمایه‌گذاری نهادها و به کارگیری ابزارهای روزآمد تبلیغی و رسانه‌ای نیات و مقاصد شوم خود را عملی می‌سازند.

۱. همان.

۲. همان.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری‌های مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و قفقاز، از اهداف جدید این جریانات افراطی انحرافی به‌ویژه وهابیت به شمار می‌آیند و رهبران و هدایت‌گران پشت صحنه این گروه‌ها به آنان توجه دارند.

در این مجموعه جغرافیایی نیز جمهوری آذربایجان، بنا به دلایل متعددی، از کشورهای اصلی مورد توجه به حساب می‌آید و افراد و گروه‌های وهابی به‌صورت چشم‌گیر در آن‌جا مشغول به فعالیت‌های تبلیغی شده‌اند.<sup>۱</sup>

در این‌جا این سؤال مطرح می‌گردد که چه عواملی گروه‌های افراطی در آذربایجان را به‌وجود آورده است؟

جمهوری آذربایجان اگر چه کشور اسلامی و دارای اکثریت جمعیت شیعه است، امروزه از اوضاع مطلوبی در حوزه دین و دین‌داری بر خوردار نیست و جامعه دینی این کشور اگر نگوییم با بحران، بی‌شک با التهاب و نوعی سردرگمی دست به‌گریبان است. از بررسی و شناخت دلایل و اسباب پیدایش چنین وضعیتی حداقل می‌توان سه عامل مهم و ریشه‌ای را برای شکل‌گیری این وضعیت بر شمرد:

۱. خلأ دینی و اعتقادی موجود در جامعه که میراث بر جای مانده دوران حاکمیت کمونیسم بود.

۲. انتخاب الگوی لائیسزم و سکولاریسم به عنوان نوع نظام سیاسی در کشوری که مسلمان و پیرو اهل بیت علیهم‌السلام است.

۳. توجه نداشتن دولت به دین و مذهب اکثریت جامعه و پا فشاری به مساوی بودن همه ادیان و مذاهب از نظر نوع و حجم فعالیت و تبلیغ.

دلایل و زمینه‌های مورد اشاره، باعث گردیده که در سال‌های بعد از استقلال، ادیان و مذاهب و مکاتب انتقادی مختلفی وارد جمهوری آذربایجان شود و در میان مردم این جمهوری تازه استقلال یافته، به عرضه و تبلیغ کیش و آیین خود اقدام نماید.<sup>۲</sup>

## نتیجه

بعد از دو حادثه مهم یکی فروپاشی شوروی سابق و دیگر حادثه یازدهم سپتامبر، زمینه برای فعالیت‌های بنیادگرایان اسلامی - چه احزاب سیاسی داخلی مانند

۱. نشریه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۶/۹/۲۲.

۲. همان.

حزب التحریر، جنبش اسلامی ازبکستان و نهضت اسلامی تاجیکستان و چه بنیادگرایان خارجی که عمدتاً سلفی‌های تندرو با گرایش‌های تند وهابی‌گری، طالبان و القاعده- از مرزهای افغانستان و پاکستان به کشورهای منطقه به ویژه تاجیکستان، ازبکستان و حتی قرقیزستان فراهم شد.

در این زمینه جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به‌عنوان دو کشور مهم اسلامی در کشورهای منطقه آسیای میانه نقش سیاسی-ایدئولوژیکی فرهنگی و اقتصادی ایفا می‌کنند. جمهوری اسلامی به سبب منافع اقتصادی و امنیتی در کل منطقه و داشتن فرهنگ و زبان مشترک به‌خصوص با تاجیکستان، طرح‌های اساسی و فعالیت‌های فرهنگی و عمرانی دارد که در ترکمنستان و تاجیکستان بیشتر، در قزاقستان و قرقیزستان کمتر و در ازبکستان بسیار کم‌رنگ‌تر است. اما عربستان سعودی بیشتر در صدد تسلط اعراب سعودی بر تمام جهان از جمله کشورهای آسیای مرکزی با بدعت دانستن اعتقادات مسلمانان منطقه، تهدیدی جدی برای نظام‌ها و ثبات مذهبی محسوب می‌شود و در این زمینه، سرمایه‌های هنگفتی را حول چند محور از جمله فعالیت‌های تبلیغی- مذهبی هزینه می‌کند. دولت‌های منطقه و نیز فرقه‌های تصوف، با این جریان مخالف درگیر هستند ولی حمایت عربستان با تأمین مالی و بودجه جنبش وهابیت از یک‌سو و فعالیت مبلغان و نمایندگان مذهبی سخت‌گیر حنبلی سلفیه، از سوی دیگر، منطقه را به‌چالش کشانده است.



## منابع

۱. تاماراما کار نکو، نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.
۲. روی آلیسون و دیگران، ترجمه محمدرضا دبیری، امنیت در آسیای مرکزی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه تهران، سال ۱۳۸۲.
۳. شگفتی‌های پس از فروپاشی، محمدحسن زمانی، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۸۴.
۴. ره‌آورد ماوراءالنهر، سنائی، مهدی، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۵. ریشه‌های رفتار سیاسی در آسیای مرکزی و قفقاز، شیخ عطار، علی‌رضا، مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز.
۶. فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۲، تابستان و پائیز ۱۳۸۸، طاهری، سیدمهدی.
۷. فاطمه، عطری، «سلفیه، تهدیدی برای امنیت قرقیزستان»، سایت ایراس، ۱۱ آذر ۱۳۸۸؛ <http://www.iras.ir/fa/pages/print.php?cid=9618>
۸. نشریه جمهوری اسلامی، ۹/۲۲/۱۳۸۶.
۹. «وهابیت در آسیای مرکزی و قفقاز»، بخش مطالعاتی net سفارت ایران در مسکو ماه‌نامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، شماره ۱۳۷، ص ۷۴-۷۶؛ <http://www.hawzah>
۱۰. وزارت خارجه

## آدرس سایت‌ها

1. <http://www.aftab.ir>
2. <http://www.jahannews.com/vdcb9wb8srhbg8p.uiur.html>
3. [www.khabardaan.com/Keywords/280140.htm](http://www.khabardaan.com/Keywords/280140.htm):http
4. <http://strategicreview.org>

